

پادکست استفان لیورا

قسمت ۲۳۹

در باب مقابله با قوانین پیشنهادی
دولت‌ها برای محدود کردن اختیارات
افراد در استفاده بدون واسطه از بیت کوین



JAKE CHERVINSKY

مقدمه مترجم

خلق اسکناس و اعتبار، مصادره دارایی‌ها، سانسور معاملات، کنترل نقل و انتقال، و به‌طور کلی در اختیار داشتن سیاست‌های مالی، از مهم‌ترین ابزارهای حکمرانی هستند و حکومت‌ها برای حفظ این قدرت حیاتی از اهرم قانون‌گذاری، ایجاد بوروکراسی اداری و محدودیت‌های دست و پاگیر استفاده می‌کنند. این اعمال قدرت مختص به حکومت‌های محلی نیست، قدرت‌های بزرگ جهانی همواره برای به دست گرفتن کنترل پول در دنیا با یکدیگر در رقابت بوده‌اند. برای نمونه سیستم پیام‌رسان بین بانکی سوئیفت^۱ بازوی اجرایی دولت آمریکا در اجرای قوانین پولی و بانکی بین‌المللی، و نهاد تنظیم‌گر FATF مسئول تدوین قوانین الزام‌آور در این حوزه را در نظر بگیرید.

بیت کوین به عنوان یک پول مبتنی بر ساختاری غیرمتمرکز، سانسورناپذیر، با امکان نقل و انتقال بر بستر اینترنت و بدون نیاز به کسب اجازه از هیچ نهاد و فرد خاصی، برای کنترل بلامنازع دولت‌ها بر پول و مسائل مالی یک تهدید جدی به شمار می‌رود. به همین دلیل است که همواره شاهد تلاش سیاست‌گذاران جهانی و محلی برای محدود کردن آن از طریق قانون‌گذاری هستیم.

ساده‌ترین و در دسترس‌ترین راه برای اعمال فشار بر بیت کوین از سوی دولت‌ها، ایجاد محدودیت و نظارت بر مؤسسات مالی فعال در زمینه بیت کوین و تدوین قوانین تنظیم‌گری برای کنترل آن‌ها است. بر اساس قوانین پیشنهادی جدید که به‌طور مفصل در طول این گفتگو به آن‌ها پرداخته خواهد شد، صرافی‌های ارزهای دیجیتال علاوه بر تعهدات فعلی مبنی بر «احراز هویت» مشتریان باید اطمینان حاصل کنند بیت‌کوینی از حساب

1 SWIFT

مشتریان‌شان به حساب افراد دیگر واریز نخواهد شد. به عبارت دیگر برداشت از حساب صرافی فقط باید به حساب فردی انجام شود که مشتری صرافی مورد نظر باشد.

فارغ از هرگونه پیش‌قضاوت درباره دولت‌ها و اقدامات آن‌ها، بیایید کمی به موضوع تدوین قوانین برای مؤسسات مالی فعال در زمینه بیت‌کوین مثل صرافی‌های آنلاین فکر کنیم. با این فرض که اصل قانون‌گذاری می‌تواند به نفع بیت‌کوین تمام شود - هرچند که این موضوع همواره یک بحث بسیار پر حاشیه بین فعالان حوزه بیت‌کوین است، - باید بتوانیم به این سؤال اساسی پاسخ دهیم: «قانون خوب چه قانونی است؟»

مهمان پادکست استفان لیورا، «جیک چروینسکی» یک حقوق‌دان ساکن شهر واشنگتن دی‌سی در ایالات متحده آمریکا معتقد است:

”تنها پیش‌نیاز یک قانون خوب، شفافیت است چون قانون باید برای افرادی که از آن تأثیر می‌پذیرند واضح و روشن باشد.“

او معتقد است تصمیم‌های خلق‌الساعه دولت‌ها باعث می‌شوند مؤسسات درگیر اضطراب ناشی از پایبندی به قانون شوند و برای پیروی از قانون به روش‌های ناکارآمدی متوسل شوند.

برای مثال می‌توان به روشی که یک صرافی هلندی اخیراً برای برداشت بیت‌کوین در پیش گرفته اشاره کرد. این صرافی مشتریانش را قبل از برداشت بیت‌کوین ملزم به ارسال یک عکس از آدرسی که روی کیف پول شخصی‌شان نمایش داده شده است می‌کند تا اطمینان حاصل کند مشتریان قصد برداشت به مقصد کیف پول شخصی خودشان را دارند و بیت‌کوین‌ها به حساب فرد یا فروشگاه آنلاین دیگری واریز نمی‌شود. این موضوع برای

هر فردی که در زمینه بیت کوین هرچند زمان کوتاهی فعالیت کرده باشد خنده‌دار است. چون تهیه یک عکس از آدرسی که روی یک کیف پول نمایش داده می‌شود کار بسیار آسانی است. به عبارت دیگر به هیچ وجه نمی‌توان مالکیت رشته‌ای از حروف و اعداد را ثابت کرد. اما به نظر می‌رسد بابت این الزامات ناکارآمد بیشتر باید به سیاست‌گذاران خرده گرفت تا مؤسسات مالی.

از طرف دیگر فعالان جامعه بیت کوین و کاربران آن برای مقابله با این قوانین چه راه‌هایی پیش‌رو دارند؟ آیا باید برای رساندن صدای خود به محافل سیاسی تلاش کنند یا بهتر است به کلی از خیر مبارزه سیاسی و تلاش برای اعمال نظر در اتاق‌های در بسته سیاست‌گذاران بگذرند و فقط بر مبارزه از راه توسعه تکنولوژی تمرکز کنند؟ پروینسکی معتقد است الزاماً ناچار نیستیم از گزینه‌های موجود فقط یکی را انتخاب کنیم بلکه باید از هر راهی برای پیشرفت بیت کوین استفاده کرد. او خود راه لابی و اثرگذاری سیاسی در میان سیاست‌گذاران و اشنگتن دی‌سی را انتخاب کرده است و از این طریق به مقابله با قوانین دست و پاگیر می‌پردازد.

در این گفتگو ظرافت‌های تدوین قانون برای مؤسسات مالی فعال در زمینه بیت کوین، همچنین وظیفه کاربران بیت کوین در راه مقابله با قوانین سخت‌گیرانه به تفصیل مورد بحث قرار می‌گیرند. مطالعه این گفتگو را به سیاست‌گذاران، کارآفرینان مؤسسات مالی، و از همه مهم‌تر بیت‌کوینرهای فارسی زبان پیشنهاد می‌کنم.

الف. آزاد

زمستان - ۱۳۹۹

بخش‌هایی از این گفتگو که منحصر به معرفی سیستم
قانون‌گذاری ایالات متحده آمریکا می‌پردازد، حذف یا خلاصه شده‌اند.

استفان: قوانین و مقررات جدید، بحث داغ این روزها شده است. می‌توانید یک نمای کلی از وضعیت موجود به ما بدهید؟

بله حتماً. به‌طور کلی در حال حاضر شاهد تحولات جدید در تدوین مقررات جهانی برای مقابله با پول‌شویی هستیم. این مقررات مجموعه‌ای از قوانین جدید هستند که مؤسسات مالی مثل صرافی‌های بیت‌کوین و پرداخت‌سازها را ملزم به ثبت مشخصات هویتی مشتریان از قبیل اسم، آدرس، و شماره ملی و ارائه آن به دولت می‌کنند، البته این قوانین بسته به جایی که زندگی می‌کنید متفاوت هستند.

در کشور ایالات متحده تمرکز ما تاکنون بر روی «قانون رازداری بانک‌ها^۲» بوده که یک قانون فدرال است. این قانون بانک‌ها و مؤسساتی که پول جابجا می‌کنند و همچنین صرافی‌های ارزهای مجازی را ملزم به رعایت قوانین ضدپول‌شویی می‌کند. اتفاق جدیدی که در حال رخ دادن است و باعث شده ما در این جلسه با هم به گفتگو پردازیم مجموعه‌ای از مقررات جدیدی است که از جانب نهاد FinCEN یکی از دفاتر وابسته به وزارت خزانه‌داری ایالات متحده آمریکا پیشنهاد شده است. این قوانین جدید تعهدات شرکت‌ها و صرافی‌های ارزهای مجازی را بیشتر از گذشته می‌کند.

تا به امروز اکثر قوانین ضدپول‌شویی فقط روی تراکنش‌های مابین شرکت‌ها و صرافی‌های بیت‌کوین و ارزهای مجازی اعمال می‌شد. مثلاً معاملات بین دو صرافی یا مؤسسه حقوقی که تحت نظارت نهادهای قانونی فعالیت می‌کردند.

حالا آنچه FinCEN پیشنهاد کرده این است که می‌خواهد تعهدات بایگانی و گزارش اطلاعات هویتی طرفین معامله را به تراکنش‌های مابین مؤسسات مالی و کیف پول‌های شخصی افراد بسط دهند. یعنی اگر یکی از مشتریان یک مؤسسه مالی یا یک صرافی بخواهد از حساب خود به کیف پول شخصی‌اش واریز کند یا برعکس، بخواهد از کیف پول

شخصی‌اش به حساب صرافی مقداری بیت کوین واریز کند، آن نهاد ملزم به ثبت، بایگانی و گزارش اطلاعات هویتی مشتری به نهادهای قانونی خواهد بود. و درواقع همین قانون جدید پیشنهادی است که این روزها در ایالات متحده آمریکا خیلی سر و صدا به پا کرده است.

استفان: افراد زیادی در جامعه فعالان بیت کوین از اصطلاحات به کار رفته در این قانون پیشنهادی تعجب کردند و ما هم بعضی از این اصطلاحات را در توئیتر به سخره گرفتیم. اصطلاحاتی مثل «کیف پول میزبانی شده شخصی»^۳ و «کیف پول میزبانی نشده»^۴. چرا اصطلاحاتی که در این قانون به کار گرفته شده انقدر با اصطلاحات معمول متفاوت است؟ آیا اینها اساساً تلاشی برای تغییر ذهنیت عمومی در موضوع حریم خصوصی و اختیار ما روی کیف پول‌هایمان نیست؟

بله من هم معتقدم همینطور است. دولت‌ها از اصطلاحاتی استفاده می‌کنند که با برداشت و روایت‌شان از ماجرا سازگارتر باشد. من فکر می‌کنم اصطلاح «ارز مجازی»^۵ هم یکی از آنهاست. انگار چیزی که مجازی‌ست نسبت به چیزی که واقعی‌ست از ارزش کمتری برخوردار است. برای همین در این قانون از عبارت «کیف پول میزبانی شده»^۶ و «کیف پول میزبانی نشده»^۷ برای مفاهیم «کیف پول نزد صرافی»^۷ و «کیف پول شخصی»^۸ استفاده کرده‌اند.

من فکر می‌کنم آن‌ها این اصطلاح را بیشتر به این خاطر به کار گرفته‌اند که بصورت تلویحی به این نکته اشاره کنند که یک کیف پول تحت میزبانی یک صرافی امن است، چون یک نفر مسئول نگهداری از آن است ولی در مقابل کیف پولی که میزبانی نشده خطرناک است، چون اختیارش دست هیچ موسسه‌ای نیست. کسی چه می‌داند چه اتفاقی برای این کیف پول رخ خواهد داد چون کنترل نشده است و اختیار آن از دست آن‌ها خارج است. و معتقدم این پیامی است که بعضی از افراد می‌خواهند با استفاده از این دو اصطلاح به دیگران بدهند.

3 Self Hosted
4 Unhosted Wallet
5 Crypto Currency
6 Hosted
7 Account
8 Personal Wallet

بیت کوین‌های توئیتر اصطلاح «کیف پول میزبانی شده شخصی» را که شما به آن اشاره کردید به اشتباه تفسیر کردند. این اصطلاح از جانب دولت معرفی نشده است و در واقع جوابی به اصطلاح «کیف پول میزبانی نشده» بود که از جانب مؤسسات فعال در زمینه بیت کوین مطرح شد. آن‌ها با استفاده از آن می‌خواستند بگویند این کیف پول‌ها بدون صاحب رها نشده‌اند بلکه متعلق به افراد واقعی هستند که از حق قانونی خود برای استقلال مالی و کنترل بر دارایی‌شان استفاده می‌کنند و اختیار کیف پول‌شان دست خودشان است.

ولی آنطور که باید از آن استقبال نشد چون فکر می‌کنم من و شما بر روی این مسأله هم عقیده هستیم که یک کیف پول یا روی یک صرافی میزبانی شده یا در اختیار صاحب آن است.

استفان: اگر موافقید کمی بیشتر در مورد مسئولیت‌های جدید یا بهتر است بگوییم تعهدات جدیدی که این قوانین پیشنهاد شده برای مؤسسات مالی و صرافی‌های قانونی به وجود می‌آوردند صحبت کنیم.

حتماً. طبق قوانین فعلی مؤسسات قانونی باید از «قانون ارسال»^۹ که احتمالاً زیاد به گوش‌تان خورده است تبعیت کنند. این قانون اساساً یعنی اگر برای مثال فردی از طریق یک مؤسسه قانونی به حساب فرد دیگری در یک صرافی بیت‌کوین ارسال کند، آن مؤسسات باید اطلاعات مربوط به طرفین معامله را برای هم ارسال کنند.

بنابراین اگر فردی از طریق یک مؤسسه مالی برای یک مؤسسه مالی دیگر، برای مثال یک صرافی بیت‌کوین ارسال کند، مؤسسه مبدأ باید اطلاعات مشتری خود را همراه با آن تراکنش مالی به موسسه مقصد ارسال کند. این قانون اساساً قانون ایالات متحده آمریکا است ولی در همه کشورهای دنیا به جز کشورهایی که به بهشت‌های مالیاتی معروف هستند اعمال می‌شود. اما نکته مهم این است که این قانون فقط برای مؤسسات قانونی الزام‌آور است و تاکنون بیرون از حوزه معاملات بین مؤسسات اعمال نشده است.

یعنی قوانین ضد پول‌شویی در کل روی معاملات شخصی افراد اعمال نمی‌شوند و فقط زمانی موضوعیت پیدا می‌کنند که یک واسطه در کار باشد و پول را به نمایندگی از اشخاص جابه‌جا کند.

قانونی که به تازگی از جانب FINCEN پیشنهاد شده است در واقع همان قانونی است که به قانون «سوئیس» معروف است. قانونی که اساساً برداشت دیگری از همان «قانون ارسال» اطلاعات ایالات متحده آمریکا است و کشور سوئیس اوایل سال ۲۰۲۰ میلادی آن را پیاده کرد. به موجب این قانون مؤسسات مالی می‌بایست اطلاعات مشتریان حقیقی خود و کیف پول‌هایشان را علاوه بر مشتریان حقوقی ثبت و بایگانی کنند.

این قانون مؤسسات مالی را ملزم می کند تا در حین انجام معامله با افراد حقیقی اطلاعات هویتی صاحب کیف پول را تایید کنند. به این معنی که باید از هویت فردی که کلید خصوصی آن کیف پول را در اختیار دارد و گیرنده آن پول است اطلاع داشته باشند. حالا قانون پیشنهادی FinCEN خیلی شبیه به این است. در این قانون پیشنهادی از کلمه تأیید استفاده نمی شود اما آنچه در آن گفته می شود این است که مؤسسه حقوقی باید نام و آدرس گیرنده بیت کوین را بدست آورد و بایگانی کند.

به این معنی که اگر برای مثال شما به عنوان مشتری یک صرافی بخواهید بیت کوین هایتان را از حساب صرافی به کیف پول شخصی خود منتقل کنید باید قبل از آن نام و آدرس خود را به آن ها بدهید. به همین ترتیب اگر بخواهید بیت کوین خود را از کیف پول این صرافی به کیف پول فرد دیگری منتقل کنید هم باید نام و آدرس آن فرد را به صرافی خود بدهید با وجودی که این فرد به هیچ وجه ارتباطی با صرافی که شما در آن حساب دارید، ندارد. این امر به منزله بسط الزامات قوانین ضد پول شویی است و حریم خصوصی افراد بیشتری که از بیت کوین استفاده می کنند را به خطر می اندازد.

استفان: پس ممکن است یک مؤسسه مالی برای تبعیت از این قانون به مشتریان خود بگوید شما فقط اجازه دارید به مقصد آدرس‌های شخصی خود برداشت کنید و باید قبل از برداشت بیت کوین به ما ثابت کنید که این آدرس شماست و متعلق به یک فرد دیگر یا یک فروشگاه نیست. آیا ممکن است شاهد چنین چیزی باشیم؟

بله امکانش خیلی زیاد است. اما مشکل این روش این است که اثبات مالکیت رشته‌ای از حروف و اعداد منطقی نیست. اصلاً چطور می‌توان مالکیت یک کلید خصوصی بیت کوین را ثابت کرد. این قانون، مؤسسات مالی حقوقی را سردرگم خواهد کرد.

اما آن‌ها باید بالاخره یک راهی برای پیروی از قانون پیدا کنند و گرنه به دلیل نقض مقررات ممکن است مجازات شوند. یکی از راه‌های کاهش خطر نقض قانون این است که به مشتریان خود بگویند ما اجازه واریز یا برداشت به حساب اشخاصی که مشتری ما نیستند را به شما نمی‌دهیم. فقط می‌توانید به حساب افرادی که مشتری ما هستند و شرایط و ضوابط ما را پذیرفته‌اند بیت کوین ارسال کنید و از این راه از خود در برابر مسئولیت‌ها یا سایر دعاوی حقوقی سلب مسئولیت کنند ولی مشکل این است که این روش محدودیت‌های قابل توجهی برای مشتریان این مؤسسات پدید خواهد آورد.

اما من از این نگرانم که این مؤسسات مالی به مشتریان‌شان بگویند از آنجا که هر کس در دنیا می‌تواند کنترل کلید خصوصی آدرسی که اعلام کردید را در دست داشته باشد پس ما قادر به تأیید مالکیت آن نیستیم و بنابراین نمی‌توانیم به شما اجازه برداشت بدهیم. پس اساساً حضانت بیت کوین‌های شما در اختیار ما است و بدین صورت ارتباط با کیف پول‌های شخصی به کلی قطع شود. این ممکن است کمی افراطی به نظر برسد ولی ما باید به عواقب احتمالی آن فکر کنیم.

استفان: درست است. ممکن است این وضعیت به سرعت رخ ندهد ولی خطر آن همیشه وجود دارد که آن‌ها تلاش کنند کاربران را در مسیری هدایت کنند که در نهایت به یک نقطه بدون بازگشت منتهی شود که هر کس بعد از وارد شدن دیگر نتواند از آن خارج شود. اگر این اتفاق بیفتد چه بلایی سر شبکه بیت کوین خواهد آمد. از طرف دیگر تکلیف بیت کوین‌هایی که بیرون این سیستم هستند چه می‌شود. شرایط عجیبی پیش خواهد آمد. من فکر می‌کنم یک نمونه جالب که شما هم ممکن است آن را شنیده باشید اتفاقی است که برای یک صرافی در کشور هلند افتاد و این صرافی از مشتریان خود درخواست کرده بوده که از صفحه کیف پول خود یک عکس ارسال کنند. اما این لزوماً مالک اصلی آدرس را تأیید نمی‌کند چون آن‌ها می‌توانند یک عکس از کیف پول یک فرد دیگر ارسال کنند. می‌خواهم نظر شما را در مورد اقدام‌های نه‌چندان موثری که مؤسسات مالی فعال در زمینه بیت کوین برای پیروی از قوانین در پیش گرفته‌اند، بدانم.

بله ممکن است. من فکر می‌کنم این به اضطراب ناشی از رعایت قوانین مربوط می‌شود. بیاید برای لحظه‌ای فرض کنیم مقررات و تنظیم‌گری لازم است، هرچند می‌دانم شاید شما و برخی از مخاطبان شما با این فرض مخالف هستند. اما بیاید فرض کنیم این‌طور است، در این صورت نباید فراموش کنیم تنها پیش‌نیاز یک قانون خوب، شفافیت است چون قانون باید برای افرادی که از آن تأثیر می‌پذیرند واضح و روشن باشد.

به طور کلی اگر مشاغل بدانند چطور باید از یک قانون پیروی کنند، ترسی هم از قوانین نخواهند داشت. آن‌ها باید اطمینان داشته باشند مشکلی پیش نخواهد آمد و درگیر پروسه‌های وقت‌گیر و دعاوی منجر به مجازات‌های سنگین نخواهند شد. شما از متولیان تنظیم‌گری انتظار دارید قوانین شفاف وضع کنند و من فکر می‌کنم قوانین پیشنهادی جدید اصلاً واضح نیستند.

همین‌طور در مورد صرافی هلندی که شما مطرح کردید تأیید مالکیت آدرس بیت کوین بسیار دشوار است. همان‌طور که شما هم اشاره کردید یک عکس از کیف پول معلوم

نیست از کجا آمده است. حتی اگر من با استفاده از یک کلید خصوصی پیامی را امضا کنم، باز به این معنی نیست که این کلید خصوصی در اختیار فرد دیگری قرار ندارد.

من فکر می‌کنم درباره روش درست اجرای این قوانین سؤالات زیادی همچنان بدون پاسخ مانده‌اند. امیدواریم قانون‌گذاران توضیحاتی ارائه کنند و باعث شفاف‌تر شدن وضعیت شوند. مثلاً بگویند اگر شما از کیف پول کاربران‌تان عکس داشته باشید از جانب ما نگرانی نداشته باشید و مشکلی پیش نخواهد آمد.

اما دوباره تکرار می‌کنم یک قانون خوب باید برای عموم مردم واضح و شفاف باشد، نه فقط برای شرکت‌ها و پشت درهای بسته. اما در حال حاضر شاهد چنین روندی نیستیم و فرآیند تنظیم‌گری شفاف و کارآمد نیست.

استفان: به نظر شما باری که رعایت این قوانین جدید بر مؤسسات مالی تحمیل می کند تا چه حد می تواند اثرات مخربی بر کار آنها داشته باشد.

خوب این واقعاً به تفسیر قانون گذاران بستگی دارد. من فکر می کنم مثلاً در مورد FinCEN اگر آنها بگویند فقط ارائه نام و آدرس افراد در زمان برداشت از حساب کفایت می کند و نیازی به انجام هیچ گونه اقدام مقتضی دیگری نیست، در این صورت به نظر من هزینه رعایت قانون بسیار کم خواهد بود. اما هزینه های پایبندی به قانون تنها یکی از عوامل مؤثر در بررسی اثرات مخرب قوانین بر روی کسب و کارها است و فاکتورهای دیگری هم وجود دارند.

من فکر می کنم این قانون یک نقض جدی حریم خصوصی است و با قوانینی که هم اکنون در حوزه مدیریت مالی سنتی اعمال می شود متفاوت است. این قوانین بیت کوین را هدف گرفته اند چون در سیستم سنتی وقتی شما به بانک می روید و پول نقد از حسابتان برداشت می کنید، نیازی نیست به کسی ثابت کنید این پول قرار است به کجا برود، همینطور وقتی می خواهید پولی به حسابتان واریز کنید کسی از شما نمی پرسد این پول از کجا آمده است.

و تحمیل این بار اضافی به افراد برای ارائه اطلاعات بیشتر از کسانی که با آنها ارتباط مالی دارند، نقض حریم خصوصی آنها است و نسبت به اسکناس تغییرات زیادی داشته است. شما می توانید تصور کنید مشتریانی که از حق محافظت از حریم خصوصی خود به آسانی نمی گذرند محل زندگی خود را ترک، یا از خدمات شرکت هایی که در مناطق دیگر با قوانین بهتر واقع هستند، استفاده خواهند کرد.

بیت کوین یک پدیده جهانی است و من فکر می کنم این قوانین می توانند اثرات مخربی داشته باشند، چون ممکن است مردم را از به دست گرفتن اختیارات دارایی شان منصرف کنند. افراد ممکن است برای فرار از زیر بار مسئولیت و رعایت این قوانین و روبرو نشدن با

عواقب سرپیچی از آنها تصمیم بگیرند حضانت دارایی‌شان را به دست مؤسسات مالی بسپارند. من فکر می‌کنم این قوانین برای بیت‌کوین مضر هستند و مزایای فرضی آنها برای دولت‌ها هم کم خواهد بود و ارزش اجرا ندارند.

استفان: در بررسی آیین نامه پیشنهادی، به «لیست کشورهای خارجی^{۱۰}» برخورد می‌خواهم بدانم تأثیر احتمالی این قانون بر مشتریان غیر آمریکایی مشاغل بیت کوین چیست؟

درست است. این مستقیماً به همان نکته‌ای مربوط می‌شود که قبلاً درباره آن صحبت کردیم. ایالات متحده می‌خواهد از اجرا شدن قوانین وضع شده‌اش در سطح جهانی اطمینان حاصل کند.

اما کسب و کارهای واقع در بعضی از کشورهای دنیا این قوانین را رعایت نمی‌کنند. به ویژه کشورهایی که در لیست تحریم‌های ایالات متحده قرار دارند مثل ایران، کره شمالی، ونزوئلا، یا میانمار. الزامات کشورهای خارجی اساساً یعنی سیاست‌گذاران می‌خواهند تعهدات ثبت و بایگانی مربوط به قوانین ضد پول‌شویی نه تنها به معاملات مالی مابین مؤسسات حقوقی و کیف پول‌های شخصی افراد بسط داده شود، بلکه از این به بعد معاملات بین مؤسسات مالی تابع «قانون رازداری بانک‌ها» و مؤسسات مالی واقع در کشورهایی که از این قانون تبعیت نمی‌کنند هم باید ثبت، بایگانی، و گزارش شوند.

برای مثال در حال حاضر وقتی یک صرافی ۱۵ هزار دلار به حساب یک صرافی حقوقی دیگر بیت کوین واریز می‌کند، لازم نیست اطلاعاتی درباره این تراکنش به دولت ارسال کند چون صرافی مقصد به رعایت «قانون ارسال» پایبند است. این قانون جدید پیشنهاد می‌کند اگر صرافی مبدأ از پایبند بودن صرافی مقصد به «قانون ارسال» مطمئن نیست، می‌بایست اطلاعات طرفین معامله را در قالب یک گزارش به دولت ارسال کند. بنابراین دولت ایالات متحده آمریکا از این روش برای کنترل بیشتر روی مؤسسات مالی در مناطقی که حاضر به رعایت قوانین وضع شده نیستند، استفاده می‌کند.

استفان: در جریان بررسی این قوانین پیشنهادی جدید ممکن است خوانندگان پیش خودشان فکر کنند، مگر مؤسسات مالی از قبل در موارد مشکوک یا وقتی که ارزش معامله بالاتر از یک حد مشخص باشد، متعهد به ارسال گزارش به سازمان‌های دولتی مثل «سازمان امور مالیاتی» ایالات متحده و سایر مجریان قانون نبودند. آیا این قوانین پیشنهادی در واقع وسیله‌ای برای سازمان‌های دولتی برای دریافت هرچه بیشتر اطلاعات نیست؟ چون در غیر این صورت آن‌ها باید برای به دست آوردن این اطلاعات مراحل قانونی را طی می‌کردند و از دادگاه حکم می‌گرفتند.

بله همین‌طور است. شرایط وقتی مؤسسات مالی بر اساس قانون، متعهد به ارسال بدون قید و شرط اطلاعات طرفین معاملات به نهادهای قانونی باشند با زمانی که نهادهای قانونی برای کسب این اطلاعات ملزم به اخذ حکم از دادگاه صالحه باشند، متفاوت خواهد بود.

بر اساس قوانین فعلی، مؤسسات مالی مثل صرافی‌ها با وجود در اختیار داشتن اطلاعات برداشت و واریز کیف پول اشخاص، هیچگونه الزامی برای ارسال بدون قید و شرط گزارشات معاملات به نهادهای دولتی ندارند.

درواقع حتی بسیاری از این مؤسسات مالی اطلاعاتی از انواع درخواست‌های رسیده از طرف نهادهای دولتی را به صورت گزارش‌هایی منتشر می‌کنند. اینکه چه تعداد حکم از دادگاه دریافت کرده‌اند و از میان آن‌ها با چه تعدادی از آن‌ها درگیر چالش حقوقی هستند و به چه تعدادی از آن‌ها باید تمکین کنند و اطلاعات مشتریان را برای نهادهای دولتی ارسال کنند.

این قانون جدید، مؤسسات مالی و صرافی‌ها را در محافظت از حریم خصوصی مشتریان خود بسیار محدود می‌کند و این واقعاً نگرانی بزرگی است. نه فقط به این دلیل که ما باید به حریم خصوصی کسانی که از بیت‌کوین برای معامله استفاده می‌کنند و به‌طور کلی

مصرف کنندگان احترام بگذاریم، بلکه به این دلیل که دولت‌ها هنوز ثابت نکرده‌اند که می‌توانند از این اطلاعات به‌طور موثری استفاده کنند.

در باب کارآمد بودن سیستم‌های ضدپول‌شویی فعلی که بر پایه نظارت‌های گسترده مالی بنا شده‌اند می‌توانیم ساعت‌ها بحث کنیم ولی حتی با فرض اینکه این اطلاعات به کشف جرم و پیگرد قانونی مجرمان منجر می‌شوند، یک موضوع خیلی مهم مطرح می‌شود و آن این است که دولت توانایی حفاظت از این اطلاعات حساس را ندارد.

به‌تازگی گزارشی از هک گسترده وزارت خزانه‌داری ایالات متحده به‌طور خاص منتشر شده است که در آن مقدار فوق‌العاده‌ای از اطلاعات حساس توسط هکرها به سرقت رفته است. و تا همین الان هم مشخص نشده دقیقاً چه اطلاعاتی به دست هکرها افتاده و از چه زمانی به آن دسترسی داشته‌اند.

و من فکر می‌کنم الان زمان مناسبی برای بسط نظارت گسترده و بدون محدودیت دولت به داده‌های کاربران مؤسسات مالی نیست و با توجه به اتفاقات اخیر کار اشتباهی است.

استفان: هک شدن اطلاعات مشتریان شرکت «لجر^{۱۱}» هم نمونه خوبی است. در ابتدا تصور می شد تعداد آدرس های ایمیل و اطلاعات مشتریان به سرقت رفته خیلی کمتر از مقدار واقعی بوده است. حالا اگر برای مثال قرار باشد داده های بیشتری از جانب مؤسسات مالی قانونی به FinCEN گزارش شود، همه این اطلاعات شخصی افراد از قبیل نام، احتمالاً آدرس زندگی، و آدرس بیت کوین های آنها ممکن است از هر جایی سر در بیاورد و به دست افرادی بیفتد که نباید.

بله درست است. دو نکته در این مورد به شما می گویم. یکی اینکه این اطلاعات واقعاً حساس است. ما فقط در مورد آدرس مردم صحبت نمی کنیم بلکه قانون پیشنهادی جدید خواستار ثبت و بایگانی آدرس محل زندگی افرادی است که بیت کوین از صرافی خارج می کنند. از این نظر خیلی شبیه به اطلاعات مشتریان شرکت لجر است.

اگر شما در کیف پول سخت افزاری خود از مقدار زیادی بیت کوین نگهداری کنید، به طور قطع نمی خواهید غریبه ها از آدرس منزل شما اطلاع داشته باشند. این اطلاعات بسیار حساس است.

نکته دوم شکل نگرانی دولت ها از متمرکز شدن این اطلاعات حساس در یک نقطه است؛ آن ها معتقدند این مسأله فقط مربوط به امنیت سایبری است. از نظر آن ها مشکل اصلی اینجاست این شرکت ها به اندازه کافی برای محافظت از اطلاعات مشتریان تلاش نمی کنند. پس باید چه کار کنیم، باید مقررات بیشتری وضع کنیم. درست است؟

قوانینی شبیه به «مقررات عمومی حفاظت از داده اتحادیه اروپا^{۱۲}» که شرکت ها را ملزم به محافظت هرچه بیشتر از حریم خصوصی مشتریان می کند. اما در طرف دیگر هم یک موضوع مهم مطرح می شود که من با آن موافق هستم و فکر می کنم بیشتر بیت کوینرها هم با من موافق باشند که اصلاً نمی توان از این داده ها محافظت کرد. هیچ سیستم امنیتی

11 Ledger

12 GDPR

سایبری کاملی برای محافظت از این داده‌های متمرکز وجود ندارد. بهترین راه‌حل این است که در وهله اول آن‌ها را یک‌جا جمع نکنیم.

و با توجه به اینکه جمع‌آوری این اطلاعات اساساً برای دولت منفعت بسیار کمی دارد، شاید بهتر باشد به کلی از خیر آن بگذریم. شاید به نفع‌مان باشد که اصلاً آن‌ها را ثبت و بایگانی نکنیم.

استفان: چطور می توان با ابراز نظر عمومی یا لابی در میان سیاست گذاران با این قوانین مقابله کرد؟

(مهمان این قسمت در مورد راه‌حل‌های مقابله در کوتاه مدت نکاتی را عنوان می‌کند که به دلیل ارتباط مستقیم با سیستم قانون گذاری ایالات متحده آمریکا حذف شده است. - م)

[...] اما از دید درازمدت، ما باید این واقعیت را درک کنیم که این تازه شروع ماجرا است. درست است که استیون منوچین، وزیر خزانه‌داری فعلی ایالات متحده با بیت کوین خصومت دارد ولی این بدان معنا نیست که وقتی او از این سمت کنار گذاشته شود اوضاع گل و بلبل خواهد شد. بسیاری از سیاست گذاران در ایالات متحده و جهان برای مثال FATF^{۱۳} به وضع چنین مقررات سخت گیرانه‌ای اعتقاد راسخ دارند.

و آنچه ما واقعاً باید در درازمدت انجام بدهیم این است که درباره موضوعات مرتبط با بیت کوین بیشتر بحث کنیم. اینکه چرا بیت کوین اهمیت دارد، چرا استقلال افراد و انجام تراکنش‌های مالی بصورت فرد به فرد (بدون واسطه. - م) مهم است، و در آخر چرا اصلاً در وهله اول نمی‌توان جلوی این پدیده را گرفت.

کشورها نمی‌توانند جلوی آن را بگیرند و غیرقانونی اعلام کردن آن فقط باعث آن می‌شود که فعالیت‌ها در یک بخش دیگری از دنیا ادامه پیدا کند چون واقعاً نمی‌توان جلوی آن را گرفت. بنابراین در درازمدت هرچه استدلال‌های بهتری داشته باشیم، در مقابل قدرت‌های بزرگی که قصد دارند با اهرم قانون گذاری بیت کوین را بیش از حد محدود کنند، موفق‌تر خواهیم بود.

استفان: آیا این قدم اول در جهت تنظیم گری بیشتر و افزایش نظارت است. اگر با آن مقابله نکنیم چه اقداماتی در آینده ممکن است انجام شود؟

بدترین سناریویی که در حال حاضر می‌توانم متصور شوم این است که بازار دو تکه شود و چیزی شبیه به آنچه پیشتر توصیف کردی رخ دهد. یعنی در یک طرف بازار بیت کوین‌های «تمیز» شکل بگیرد که در مؤسسات قانونی نگهداری می‌شوند و تحت کنترل اشخاص نیستند. که دولت هر زمان اراده کند می‌تواند این بیت کوین‌ها را همانند سیستم مالی سنتی سانسور یا مصادره کند.

و در طرف مقابل بازار بیت کوین‌های «کثیف» شکل بگیرد که در آن افراد شخصاً از بیت کوین‌هایشان نگهداری می‌کنند و اختیار کلیدها در دست خودشان است و از آن به‌عنوان ابزاری در پرداخت‌های مستقیم و بدون نیاز به واسطه استفاده می‌کنند. ترس من از این است که هیچ پُلّی میان این دو بازار وجود نداشته باشد. در این صورت بانک‌ها و صرافی‌ها از واریز یا برداشت به کیف پول‌های شخصی اشخاص منع خواهند شد.

شاید فکر کنید دارم ترس بی‌مورد ایجاد می‌کنم ولی اصلاً نمی‌خواهم کسی را بترسانم. افراد زیادی به من می‌گویند که خیلی بدبین هستم و اوضاع به این صورت پیش نخواهد رفت. اما ترس من از این است که اگر خوب به صحبت‌های قانون‌گذاران گوش کنید متوجه خواهید شد آن‌ها با بیت کوین به عنوان طلای دیجیتال مخالفتی ندارند. به شرطی که مثل طلا در گاوصندوق‌های متمرکز نگهداری شود و سانسورپذیر باشد. تا جایی که برای کنترل‌های مالی دولت‌ها تهدیدی به حساب نیاید و خطر تأمین مالی تروریسم و پول‌شویی و دیگر فعالیت‌های غیرقانونی را نداشته باشد. این مسأله باعث خواهد شد تا مؤسسات مالی به کلی از معامله با کیف پول‌های شخصی افراد منع شوند و این به نظر من بدترین حالت ممکن خواهد بود.

البته من خوشبین هستم که کار به آنجا نمی‌کشد چون به اندازه کافی دلایل منطقی داریم تا ثابت کنیم در این صورت دنیا لزوماً جای بهتری نخواهد بود و از آن مهم‌تر چرا اصلاً دیگر نمی‌توان این ممنوعیت‌ها را اعمال کرد. اما همچنان معتقدم بزرگ‌ترین مسأله‌ای که باید با آن روبرو شویم همین خواهد بود.

استفان: شما پیشتر به این نکته اشاره کردید که به نظر می‌رسد FATF منشاء اصلی چنین قانون‌گذاری‌هایی در سراسر دنیا باشد. ممکن است درباره اثر آن بر مسائلی که این روزها مطرح می‌شود و نفوذ احتمالی آن روی قانون‌گذاران محلی مثل FinCEN کمی توضیح دهید.

بله حتماً. FATF یک نهاد تنظیم استاندارد بین‌المللی است که اگر اشتباه نکنم از حدود ۴۰ عضو از کشورهای مختلف دنیا تشکیل شده است. ایالات متحده، استرالیا، آلمان و دیگر کشورها اعضای این سازمان هستند و در آن نماینده دارند.

این سازمان به خودی خود قانونی وضع نمی‌کند ولی پیشنهادهایی در قالب استانداردهای عمومی تهیه می‌کند و از کشورهای عضو انتظار دارد آن‌ها را رعایت کنند و به طور منظم بررسی می‌کند که آیا اعضای مختلف به اندازه کافی از قوانین پیروی می‌کنند یا خیر. تنها حربه FATF لیست سیاه آن است که اساساً می‌گوید اگر کشوری از این قوانین تبعیت نکند، بقیه کشورها اجازه معامله با این کشور خاطی را نخواهند داشت. یک چیزی شبیه به تحریم‌های ایالات متحده آمریکا است.

بین تحریم‌های ایالات متحده آمریکا و لیست سیاه FATF همپوشانی زیادی وجود دارد. یک نکته جالب در مورد FATF این است که بعضی اوقات این نهاد در مسائلی پیش‌قدم می‌شود و استانداردهایی را تدوین می‌کند و در بعضی از مواقع دنباله‌رو یک یا چند عضو خود می‌شود و از قوانین آن‌ها تبعیت می‌کند. بنابراین بعضی اوقات ایالات متحده در یک موضوع مشخص تصمیم به تدوین استانداردهایی می‌گیرد، و از طریق FATF اعضای این نهاد را وادار به اجرای آن می‌کند.

بعضی اوقات هم شرایط برعکس است. FATF پیشنهادهای جدیدی را تدوین می‌کند و اعضای آن باید از قوانین جدید تبعیت کنند. اکنون سؤال این است که آیا FATF قوانینی که اخیراً از جانب FinCEN مبنی بر اعمال محدودیت بر روی تراکنش‌های مالی بین

مؤسسات و کیف پول‌های شخصی افراد پیشنهاد شده‌اند را به دیگر اعضای خود پیشنهاد خواهد کرد یا نه. تا امروز که آن‌ها این کار را نکرده‌اند.

حالا سوئیس و هلند همان‌طور که شما اشاره کردید و ایالات متحده در واقع جلوتر از استانداردهای پیشنهادی FATF حرکت می‌کنند. FATF در ماه ژوئن سال ۲۰۲۰ گزارش سالانه دستورالعمل خود در موضوع ارزهای مجازی را منتشر کرد و در آن گفته است که ما در حال حاضر به این نتیجه رسیده‌ایم که شواهد کافی برای اعمال محدودیت‌های بیشتر روی معاملات فرد به فرد و بدون واسطه وجود ندارد. اما برخی از اعضای ما در این مورد ابراز نگرانی می‌کنند و ما در آینده این موضوع را دوباره مورد بررسی قرار خواهیم داد.

بنابراین یکی از مهم‌ترین نقاط عطف بعدی حوالی ژوئن سال ۲۰۲۱ است که آن‌ها گزارش سالانه خود را منتشر می‌کنند. اگر آن‌ها قانون سوئیس یا پیشنهاد جدید FinCEN را به عنوان استاندارد عمومی تصویب کنند، در این صورت فرآیندی که فقط در چند کشور مثل هلند و سوئیس و ایالات متحده در جریان بوده به سرعت در ده‌ها کشور دیگر تبدیل به قانون، و در نهایت استاندارد جهانی خواهد شد. بنابراین من فکر می‌کنم ما باید تلاش بسیاری کنیم تا سیاست‌گذاران FATF را متقاعد کنیم که این قوانین مفید نیستند ولی فعلاً تنها کاری که می‌شود کرد این است که منتظر بمانیم و شرایط را زیر نظر داشته باشیم.

استفان: من خودم یک آزادی خواه هستم و می دانم که همه مثل من فکر نمی کنند. ممکن است افراد با تفکرات آزادی خواهی یا سایفرپانک^{۱۴} بگویند درگیری با فرآیندهای سیاسی فایده‌ای ندارد و معتقد باشند که تکنولوژی می تواند از پس این مسائل بر بیاید و ما می توانیم این مسائل را نادیده بگیریم. ولی در مقابل هم می توان اینطور استدلال کرد که صرف نظر از جهان بینی که داریم باید برای مقابله با این قوانین تلاش کنیم تا بتوانیم برای بهتر شدن بیت کوین از نظر فنی و حریم خصوصی زمان بخریم. شما چه نظری دارید؟

من فکر می کنم این اشتباه است اگر بخواهیم از میان این روش ها فقط یکی را انتخاب کنیم چون به نظر من فضا برای هر دوی آنها وجود دارد. ببینید من هم مثل شما به بسیاری از ارزش های سایفرپانک و آزادی خواهی که شما از آن صحبت می کنید اعتقاد دارم و اتفاقاً طرفدار پادکست شما هستم و آن را دنبال می کنم.

در عین حال چون در واشنگتن دی سی^{۱۵} زندگی می کنم، در جامعه سیاست گذاران بسیار فعال هستم. بنابراین معتقدم هر دوی ما می توانیم تلاش کنیم و فکر می کنم ما نمی توانیم تاثیر دولت بر بیت کوین را انکار کنیم. در واقع می توانیم این کار را از راه سخت یا از راه آسان به نتیجه برسانیم و من فکر می کنم همه ما دوست داشته باشیم آن را از راه آسان پیش ببریم.

من می دانم دولت نمی تواند بیت کوین را ممنوع کند ولی ترجیح می دهم در دنیایی زندگی نکنم که برای خرید و کنترل بیت کوین هایم مجبور باشم با دیگران در کوچه پس کوچه های شهر قرار بگذارم. و لازمه آن این است که در فرآیند قانون گذاری مشارکت داشته باشیم.

14 Cypherpunk
15 Washington DC

بله ممکن است هر کسی این کار را دوست نداشته باشد و نخواهد خودش را گرفتار مکان‌هایی همچون واشنگتن دی‌سی یا دیگر پایتخت‌های سیاسی دنیا کند و مشکلی هم نیست. دلیل حضور من همین است و حاضرم این کارِ گل را انجام دهم.

و در حالت ایده‌آل این مسأله منجر به این می‌شود که متخصصین فنی زمان بیشتری برای ساخت ابزارها و سرویس‌هایی داشته باشند که مردم بتوانند از آنها برای محافظت از استقلال مالی و حریم خصوصی خود استفاده کنند. و اگر روزی دولت‌ها تصمیم گرفتند با بیت‌کوین مقابله کنند و ما در مسیر نبرد با سیاست‌گذاران شکست خوردیم دیگر اجازه این کار را به آنها نخواهیم داد چون از نظر فنی بسیار پیشرفت کرده‌ایم.

در عین حال من فکر می‌کنم از راه همکاری و همزیستی مسالمت‌آمیز فرصت بزرگی برای رشد بیت‌کوین وجود دارد، درحالی‌که منجر به نقض حقوق ما هم نمی‌شود. و من دوست دارم حداقل برای رسیدن به این هدف امیدوار باشم.

استفان: طرفداران بیت کوین برای جلوگیری از وقوع وضعیت سیاهی که ممکن است قانون‌گذاری‌های بیش از اندازه نهادهای قانونی پیش بیاورند، باید چه استدلال‌هایی را مطرح و به کدام نکات کلیدی اشاره کنند.

استدلال‌های زیادی وجود دارد و باید آن‌ها را در طول زمان کامل‌تر هم کرد ولی من چند تا از آن‌ها را برای شما شرح می‌دهم. اولین مورد فراهم بودن خدمات مالی برای همگان است.

من فکر می‌کنم استدلالی که همه از آن پشتیبانی خواهند کرد این است که اکثر مردم در جهان به خدمات مالی قابل اعتماد دسترسی ندارند. این افراد در مکان‌هایی زندگی می‌کنند که در آنجا بانک‌ها خود مجرم هستند و این مردم راهی برای تجارت با دیگران ندارند چون راه امنی برای پرداخت در معاملاتی که در مسافت‌های دور انجام می‌دهند ندارند.

و من فکر می‌کنم بیت کوین قوی‌ترین نیروی قابل تصور برای فراهم کردن خدمات مالی برای همگان است. در این زمینه یک نفر هست که باید به دقت به حرف‌هایش گوش کنیم و او کسی جز «الکس گلدشتاین»^{۱۶} از «بنیاد حقوق بشر»^{۱۷} نیست. الکس به بهترین شکل موارد استفاده بیت کوین توسط مردم دنیا را شرح می‌دهد. آن‌ها از بیت کوین برخلاف آنچه بسیاری از سیاست‌گذاران دنیا فکر می‌کنند برای سفته‌بازی و کسب سود استفاده نمی‌کنند بلکه از آن برای بهتر زندگی کردن و تجارت استفاده می‌کنند.

همین‌طور می‌توانیم استدلال‌هایی هم در مورد مشکلات سیستم‌های مالی داشته باشیم که به صورت مؤسسات بزرگ و قدرتمند ظاهر شده‌اند و لزوماً به دنبال منافع ما نیستند. امروزه شاهد ظهور شرکت‌های بزرگ فن‌آوری هستیم که در تلاش برای تسلط بر اینترنت هستند، به همان روش که آبر بانک‌ها بر امور مالی تسلط دارند. ولی قطعاً ما نمی‌خواهیم

16 Alex Gladstein

17 Human Rights Foundation

فیس بوک‌های دنیا همان‌طور که اینترنت را در دست دارند، کنترل ابزارهای مالی دنیا را هم به دست بگیرند.

بیت کوین برخلاف سیستم‌های اختصاصی این شرکت‌ها که اهداف اقتصادی‌شان مقدم بر صلاح مشتریان‌شان است، یک پلتفرم عمومی و باز است که برای همگان خدمات پرداخت فراهم می‌کند و در واقع پاسخی برای حل این مسأله است. معتقدم این دو ایده می‌توانند متقاعد کننده باشند ولی یکی از نکته‌های جالب درباره بیت کوین این است که برای متقاعد کردن افراد مختلف فقط کافیست بدانید چه اصولی برای آنها مهم است و بیت کوین چگونه می‌تواند به تحقق این اصول کمک کند.

این موضوع در حال حاضر شاید در حد میم^{۱۸} «بیت کوین این مشکل را حل می‌کند»^{۱۹} باشد ولی همیشه می‌توان راهی برای متقاعد کردن افراد پیدا و آنها را همراه کرد. و معتقدم باید هرچه بیشتر بر بهتر کردن دلایل مان تمرکز کنیم تا موثرتر شوند.

18 Meme

19 Bitcoin Fixes This

استفان: [استدلال‌هایی که انگیزه دولت‌ها در حمایت از بیت کوین را تبیین می‌کند] من را یاد تأمین مالی پروژه Tor توسط دولت ایالات متحده آمریکا می‌اندازد تا عوامل دولتی بتوانند از آن به‌عنوان وسیله‌ای امن و برای برقرار کردن ارتباطات خصوصی استفاده کنند. این پروژه هم شبیه به بیت کوین و مثل یک شمشیر دو لبه است ولی حتماً در نهایت برای آن‌ها سودمند است و از آن حمایت می‌کنند.

بله خیلی شباهت دارد و اگر قادر باشیم همه جوانب را در نظر بگیریم متوجه خواهیم شد فن‌آوری در کل یک پدیده بی‌طرف است، هم می‌توان از آن برای مقاصد خوب استفاده کرد هم برای مقاصد بد. اگر خلاف کاران آن را به خدمت بگیرند به این معنی نیست که باید استفاده از آن را به کلی غیرقانونی کرد بلکه به این معنی است که باید تا جایی که امکان دارد از آن در راه درست استفاده کرد و تا جایی که امکان دارد جلوی استفاده نادرست از آن را محدود کرد. در طول تاریخ بشر سرنوشت همه فن‌آوری‌ها همین بوده است؛ اولین استفاده‌کنندگان از اتومبیل در واقع سارقان بانک‌ها بوده‌اند تا سریع‌تر بتوانند از دست پلیس فرار کنند.

همیشه همین‌طور بوده، خلاف کاران اولین کاربران تکنولوژی‌های جدید هستند ولی این به معنی این نیست که ما این تکنولوژی‌ها را دور بیاندازیم. و من معتقدم اگر در بیت کوین مذاقه کنیم، در نهایت خواهیم پذیرفت که بیت کوین هم به‌مانند اینترنت می‌تواند توسط هر کسی در دنیا مورد استفاده قرار گیرد ولی در نهایت مزایای آن برای دنیا بیشتر از ضررهای آن است. به همین دلایل ما باید از رشد و پذیرش هرچه بیشتر آن در میان عموم پشتیبانی کنیم و در راه آن سنگ اندازی نکنیم.

استفان: ممکن است یک سیاست گذار بگوید بسیار خوب، شما می‌توانید از بیت کوین‌هایتان در حساب‌هایی که تحت اختیار صرافی‌ها و مؤسسات مالی هستند نگهداری کنید و من فکر می‌کنم آن‌ها ممکن است مثل من و شما و بقیه بیت کوینرها به اهمیت عرضه محدود بیت کوین و کسب استقلال مالی از راه کنترل کلیدهای بیت کوین پی نبرده باشند. و من فکر می‌کنم ما حتماً باید از این استدلال‌ها استفاده کنیم.

بله، من فکر می‌کنم این کاملاً درست است و به همین خاطر است که پیشتر دو مثال زدم که در آن بیت کوین به‌عنوان ابزاری برای کسب استقلال مالی به کار گرفته می‌شود، نه مثل طلای دیجیتال که در گاوصندوق بانک‌ها از آن نگهداری شود. در مناطقی از دنیا که زیرساخت‌های مالی قابل اعتمادی وجود ندارد می‌توان از بیت کوین استفاده کرد و تعداد این مناطق در جهان اصلاً کم نیست.

در بیشتر نقاط دنیا بانک قابل اعتمادی وجود ندارد که مردم بتوانند با خیال راحت بیت کوین‌هایشان را در آن نگهداری کنند. حتماً شما از مخاطرات یک‌جا جمع کردن نه تنها اطلاعات بلکه دارایی مردم در یک نقطه اطلاع دارید. در هر صورت امکان هک شدن این مؤسسات وجود دارد و به‌هیچ‌وجه نمی‌توان تأمین امنیت دارایی مردم را تضمین کرد.

برای مثال صرافی «مت.گاکس^{۲۰}» یا اخباری که هر چند ماه یک‌بار از هک شدن صرافی‌ها یا مؤسسات مالی منتشر می‌شوند را در نظر بگیرید. برای همین است که من فکر می‌کنم بیت کوین بیشتر ابزاری است که به افراد کمک می‌کند به استقلال مالی برسند و مسئولیت حفظ دارایی خودشان را بدون وابستگی به واسطه‌ها شخصاً بر عهده بگیرند، تا یک روش سرمایه‌گذاری که فردی چند دلار سهام فلان شرکت را بخرد و در یک سیستم متمرکز نگهداری کند.

استفان: خیلی عالی. خیلی ممنون از اینکه به برنامه من آمدی و مسائل پیچیده را برای من و شنوندگانم به روشنی توضیح دادی. امیدوارم به زودی دوباره با هم گفتگو کنیم.

من هم از شما متشکرم و از بحث لذت بردم.

هرگونه استفاده از این ترجمه برای همگان آزاد است.

bitcoind.me

منابع فارسی بیت کوین

معرفی کتابها، مقالات، خودآموزها، و بطور کلی منابع آموزشی و کاربردی معتبر حوزه بیت کوین، اقتصاد، و حریم خصوصی که توسط علاقمندان و فعالان جامعه فارسی زبان بیت کوین تالیف یا ترجمه شده اند